

ناپلئون هیل

۵۲ پله

# تا ثروتمند شدن

• موفقیت بادآورده نیست

• چرا بعضی‌ها موفق می‌شوند و بعضی دیگر نه؟

• رازهای موفقیت از زبان

یکی از ثروتمندترین‌های جهان

ترجمه حمید مشهدی‌رضا



بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه

## فهرست

۱۱	.....	دیی‌اچه
۱۳	.....	مقدمه
۱۷	.....	هفته اول: موفقیت با دآورده نیست
۲۱	.....	هفته دوم: یاد بگیری‌د که چگونه زندگی خود را کنترل کنید
۲۵	.....	هفته سوم: برای رسیدن به موفقیت، در خود ایجاد انگیزه کنید
۲۹	.....	هفته چهارم: چرا بعضی‌ها موفق می‌شوند و بعضی دیگر، نه؟
۳۳	.....	هفته پنجم: قدرت، از درون کشمکش و مبارزه ریشه می‌گیرد
۳۷	.....	هفته ششم: صداقت
۴۱	.....	هفته هفتم: امیدواری
۴۵	.....	هفته هشتم: شکیبایی
۴۹	.....	هفته نهم: انعطاف‌پذیری
۵۳	.....	هفته دهم: اشتیاق
۵۷	.....	هفته یازدهم: از جاذبه‌های شخصی خود بهره ببرید
۵۹	.....	هفته دوازدهم: به خود اعتماد داشته باشید
۶۳	.....	هفته سیزدهم: حس شوخ‌طبعی خود را قوی‌تر کنید
۶۵	.....	هفته چهاردهم: استفاده از فن‌نمایش
۶۷	.....	هفته پانزدهم: هدف خود را انتخاب کنید

## هفته اول

### موفقیت، بادآورده نیست

نیازی نیست که پیشگو یا رمال باشید تا بتوانید سرنوشت کسی را حدس بزنید. کافی است که از شخص یک سؤال ساده بپرسید: «هدف مشخص و اصلی شما در زندگی چیست؟ و برای رسیدن به این هدف چه برنامه‌ای دارید؟»

اگر این سؤال را از صد نفر بپرسید، ۹۹ نفرشان چنین جواب خواهند داد: «می‌خواهم زندگی خوبی داشته باشم و تا آنجا که ممکن است موقعیتی به دست آورم». هرچند که این پاسخ ظاهراً عالی به نظر می‌رسد ولی اگر عمیق‌تر توجه کنید، انبوهی از مردم را خواهید دید که چیزی از زندگی عاید ایشان نمی‌شود مگر پس مانده‌های آدم‌های موفق — یعنی کسانی که هدف مشخص و برنامه‌ای برای رسیدن به آن دارند. برای موفقیت، باید در لحظه و قاطعانه تعیین کنید که هدف شما چیست و در راه رسیدن به این هدف گام بردارید.

سال‌ها پیش، دوستی داشتم به نام استوارت آستین ویر<sup>۲</sup> از اهالی دالاس. او از سهامداران مجله‌ای بود که من ویراستارش بودم و تنها نقش او سرمایه‌گذاری اش بود. نویسنده گرسنه‌ای بود که ناگهان به خاطر داستانی که درباره‌ی یک مخترع نوشت، دچار الهاماتی شد و زندگی‌اش دستخوش تغییراتی اساسی گردید.

او روزی در برابر چشمان متعجب کسانی که او را می‌شناختند، اعلام کرد که کار مطبوعات را ترک می‌کند تا در رشته حقوق ادامه تحصیل دهد. او یک وکیل نشد، بلکه برترین حقوقدان در آمریکا گردید. او چنان با حرارت کار خود را دنبال کرد که مدرسه حقوق را در کمترین زمان تمام کرد. وقتی که کار خود را شروع کرد، با ظرافت هر چه تمام‌تر سخت‌ترین پرونده‌ها را دنبال نمود. او به‌زودی در سراسر کشور شهرت یافت و چندان متقاضی پیدا کرد که علیرغم این که دست‌مزدش به ارقام نجومی تبدیل شد، ولی تعداد مشتریانی که رد می‌کرد، بیش از مشتریانی بود که می‌پذیرفت.

افرادی که هدفمند عمل می‌کنند، فرصت‌ها را به سوی خود می‌کشند. زندگی چگونه می‌تواند به شما چیزی بدهد و حال آن‌که خود نمی‌دانید که چه می‌خواهید! دیگران چگونه می‌توانند به شما کمک کنند که موفق شوید، درحالی که خودتان تصمیمی برای رسیدن به آن ندارید. تنها با داشتن اهداف روشن است که قادر خواهید بود بر موانع و مشکلاتی که در راه شما قرار دارد، غلبه کنید.

یکی از قدیمی‌ترین و موفق‌ترین صاحبان امتیاز در آمریکا، آقای لی مارانز<sup>۳</sup> بود. مردی که می‌دانست چه می‌خواهد و می‌دانست که چگونه باید به هدف خود برسد. او یک مهندس مکانیک بود و یک دستگاه بستنی‌ساز اختراع کرد که می‌توانست بستنی‌های مخلوط خوبی بسازد. آقای لی، در ذهن خود فروشگاه‌های زنجیره‌ای بستنی‌فروشی را تصور کرد که در سراسر سواحل آمریکا احداث گردیده بود و برای سیدن به این رؤیا، نقشه و برنامه‌هایی تنظیم نمود و در نهایت به رویاهای خود جامه عمل پوشاند.

آقای لی، مانند بسیاری دیگر، رؤیای خود را با کمک به افرادی که برای رسیدن به موفقیت کوشش می‌کردند، بنا نمود. او به افرادی که قصد داشتند فروشگاه بستنی دایر کنند، کمک می‌کرد و این کار را از طریق ساخت دکور و طراحی نقشه برای آن‌ها انجام داد؛ عملی که در زمان خودش انقلابی در این